

## جغرافیای تاریخی قم از ورود اسلام تا حمله ی مغول

محمد برخورداری

دبیر آموزش و پرورش، رشته الهیات و معارف اسلامی، ناحیه ۱ قزوین، قزوین، ایران barkhordarimohammad01@gmail.com

### چکیده

شهر مقدس قم یکی از شهرهایی است که در تاریخ شیعه نقش مهمی را ایفا کرده است. سابقه تاریخی شهر قم تا زمان ساسانیان ردیابی شده و زمانی دربردارنده آتشکده‌های متعدد و متنوعی بوده است. با ظهور اسلام و هجرت اعراب اشعری به قم، این شهر رنگ و بوی یک شهر شیعی را به خود گرفت و به یکی از حامیان سرسخت اهل بیت عصمت و طهارت تبدیل گشت. شهر قم به دلیل حمایت‌های گسترده از خاندان پیامبر اکرم(ص)، از سوی خلفای عباسی به شدت کنترل می شد. حضور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را باید فصل تازه ای در تاریخ شهر قم به شمار آورد. از نیمه ی دوم قرن دوم ه.ق، ائمه اطهار(ع) نمایندگان و وکلای خود را در قم سامان دادند و منابع تاریخی از ارتباطات مالی و فرهنگی مردم قم با ائمه اطهار(ع) خبر داده اند. شهر مقدس قم در زمان بنی امیه و طاهریان و دیگر سلسله های متقارن-مانند: صفاریان، سامانیان و علویان-جزء عراق عجم بود و تحت تابعیت عباسیان قرار داشت و حاکم قم، از سوی خلفای عباسی انتخاب می شد و دستخوش تغییر و تحولات بسیاری در زمینه ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده است، که می توان در تحولات فرهنگی به تاسیس حوزه ی علمیه ی قم اشاره کرد. هدف از نگارش این نوشتار، آشنایی با پیشینه جغرافیایی تاریخی این شهر، نقش آن در تاریخ تشیع و همچنین تأثیرگذاری آن در قیام امام زمان علیه السلام است.

کلیدواژه: قم - تشیع - طالبیان - حضرت فاطمه معصومه(س)

## ۱- مقدمه

قم نام سرزمینی است که قیام را از معنی به مصداق رسانید، و در تاریخ معاصر ایران نیز چونان خورشیدی تابان درخشید و نور تحرک آن، آزادی خواهان مسلمان را به حرکت در آورد، تا بدانجا که امروز نام قم در دنیا با قداست و پایداری و شجاعت همراه است، سرزمینی که هر سپیده دم، هزاران انسان پاک سیرت به عشق لقاء و قرب خداوند بر زمین مقدس آن گام می-نهند، و هر شب قطرات اشک شب زنده داران را بسان مرواریدهای درخشان در صدق دامن خود می پروراند، سرزمینی است که مهد یاوران و ملجاء و پناه منتظران مهدی موعود عجل الله فرجه در آخرالزمان است.

در حالی که مدت های پیش از اسلام قم فقط به صورت قلعه های متعدد بوده و ساکنان برخی از آنها زردشتی و بعضی دیگر یهودی بوده اند. اما چون که این شهر باستانی توسط اعراب مسلمان فتح شد و به شهری شیعی مذهبی بدل شد، کانون توجه شیعیان قرار گرفت. آن چه که در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد، مروری بر تاریخ قم و حیات فکری، اجتماعی، سیاسی و دینی شهر مقدس قم است.

## وجه تسمیه ی قم

علل مختلفی برای وجه نامگذاری این شهر به «قم» ذکر کرده اند، در اینجا به طور مختصر به هر یک از اشاره می کنیم:

۱- کلمه ی قم معرب «کومه» است، بدین معنا که این سرزمین پیش از آنکه به صورت شهر درآمد، دارای گودال های پر آبی بوده، چوپانان گوسفندان خود را برای آشامیدن آب و چریدن در سبزه زارهای اطراف آن گودال ها برده اند، به تدریج چوپانان به خاطر توقف طولانی در آن سرزمین مسکن های موقتی که به آن «کومه» می گفتند، ساختند، این کومه ها کم کم زیاد شد و به صورت قریه ای درآمد، رفته رفته به صورت شهر درآمد و به همان نام کومه یا «کوم» برای آن باقی ماند.

پس از ظهور اسلام و نفوذ زبان و ادبیات عرب و ایران در یکدیگر، بسیاری از کلمات فارسی تغییر شکل داد و کوم نیز تبدیل به «قم» گردید.<sup>۱</sup>

۲- ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی در کتاب/صفهان یاد کرده است که چون اشعریان عرب به قم آمدند، در اطراف قم در خیمه هایی از مو سکنی گزیدند، چون در این ناحیه متمکن شدند، در صحراهای آن دیار، هفت ده ساختند و سراها و بناها و قصرها و عمارت ها بنا نهادند و فرود آمدند. آن هفت ده همچنان، قزدان، مالون، حمر، سکن، جلنبدان، و کمیدان بودند، چون این روستاها نزدیک به هم بودند، از مجموع این نام ها «کمیدان» را اختیار کرده اند، و مجموع این ده ها را «کمیدان» نامیدند، بعد از مدتی برای اختصار، چهار حرف آن را حذف کردند، و آن را «کم» نامیدند که پس از معرب کردن آن را قم نامیدند.

۳- روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج بقعه ای در زمین جبل نگاه کردم، که از نظر رنگ زیباتر از زعفران و از نظر بو، خوشبو تر از مشک بود، و شخص پیری در آن نشسته و بر سرش کلاهی دراز بود، گفتم: ای جبرئیل این بقعه چیست؟ عرض کرد: این بقعه ای است که شیعیان علی علیه السلام در آن به گرد هم می آیند، گفتم: این شخص کیست؟! گفت: ابلیس است، گفتم او از آنها چه می خواهد؟

گفت: می خواهد آنان را از ولایت و دوستی علی علیه السلام منع کند و به سوی فسق و فساد سوق دهد، گفتم: مرا بر زمین فرود آور، از برق تند تر بر زمین آمدیم، نزد او آمده و گفتم: قم یا ملعون... از این رو به این سرزمین قم گفتند.<sup>۲</sup>

۴- امام هادی علیه السلام فرمود: «قم را از آن جهت قم گفتند، چون کشتی حضرت نوح در آن طوفان معروف در این زمین ایستاد و این زمین قسمتی از بیت المقدس است»<sup>۳</sup>

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: قم را قم گفتند چون اهل قم با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله امام زمان (عج) قیام می-کنند و به نصرت و پشتیبانی آن حضرت می روند.<sup>۴</sup>

۱. قم را بشناسید، ص ۳۶.

۲. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۹۷.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۴. همان، ص ۲۱۶.

۶- بعضی گویند به واسطه رودخانه و دریاچه و گودال‌های فراوان پر آبی که در اطراف قم دیده می‌شوند و عرب به جایی که پر آب باشد، قمقمه می‌گویند، از این رو با حذف زوائد این سرزمین را قم گفته‌اند.

۷- یکی از وجوه نامگذاری قم را چنین گفته‌اند، قبلا اسم روستاهای قم «کمدان» بود، سپس بعضی از حروف کمدان را انداختند و آن گاه «کم» را معرب و مبدل به «قم» کردند.<sup>۵</sup> حضرت آیت الله مرعشی (ره) فرمودند که صحیح‌ترین وجوه همین است و الآن هم در کنار کوچه رهبر قم، نهری به نام نهر کمدان معروف است.

### جغرافیای تاریخی قم

شهر مذهبی قم که امروزه در ۱۴۵ کیلومتری جنوب شهر تهران بر سر جاده اصفهان و تهران واقع است،<sup>۶</sup> از نواحی قدیمی ایالت ماد یا جبال بوده است، در دوره ی ساسانی، قم یکی از نواحی اصفهان بود. «قباد» - یکی از حاکمان آن عصر - اصلاحات مذهبی و عمرانی زیادی در این منطقه انجام داد.<sup>۷</sup> که باعث توسعه‌ی ارضی، فرهنگی و سیاسی ناحیه‌ی قم شد، این اصلاحات قم را به صورت یکی از بهترین و آبادترین شهرها در مملکت «قباد» در آورد.<sup>۸</sup>

از جمله اقدامات قباد اصلاحاتی در ادغام آتشکده‌ها و کاستن تعداد آنها بود، او آتش «آذر جشنسف» را در قم حفظ کرد.<sup>۹</sup> آتش آذر جشنسف، در آتشکده ی «مزدجان» تا اواخر قرن سوم قمری همچنان دوام آورد، تا اینکه به سال ۲۸۲ قمری برون/ بیرون ترکی این آتشکده را ویران ساخت و آتش آن خاموش گردید.<sup>۱۰</sup>

با وجود این، تا نیمه ی اول قرن دوم قمری همچنان حدود ۳۰ آتشکده در قم وجود داشت،<sup>۱۱</sup> تحقیقات جدید نیز مطالب فوق را تأیید می‌کند، «ماکسیم سیرو» می‌نویسد: بنابر روایات، شهر قم - که همیشه مرکز مهم ارتباطات بوده - را حلقه ای از آتشگاه‌ها در بر می‌گرفته است، او به بقایای چندین آتشکده در قم اشاره کرده است.<sup>۱۲</sup>

سابقه‌ی دو آتش مهم دین زردشتی، آتش مهرین و آتش آذر جشنسف در قم، حاکی از اهمیت مذهبی و فرهنگی قم در دوره ی ساسانی است، قم این موقعیت خود را تا پایان قرن اول قمری تا حد زیادی حفظ کرد، هنوز یک قرن از اصلاحات مذهبی قباد در ایران، که بخش مهمی از آن در قم انجام شد، نگذشته بود که دین مبین اسلام ظهور کرد.

### بنای اولین مساجد

پس از ظهور اسلام، بسیاری از آتشکده‌ها ویران گردید و به جای آن مسجد ساخته شد، در محل یکی از آنها در قم، مسجد عتیق ساخته شد.<sup>۱۳</sup> فقط آتشکده «مزدجان» به دلیل واقع شدن در منطقه‌ی کوهستانی و سکونت عده‌ی قابل توجهی از مجوسیان در مسیر آن، تا اواخر قرن سوم قمری دوام آورد،<sup>۱۴</sup> نویسنده‌ی تاریخ قم درباره‌ی بنای اولین مسجد در قم می‌گوید: «نخستین مسجدی که بدین ناحیه نهادند، مسجدی بود که در قریه‌ی جمکران بنا شد، اعراب بنی اسد، در اطراف این مسجد منزل گرفتند، سعید بن جبیر، صحابی معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز شش ماه در جمکران نزد این اعراب به سر برد».

۵. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۶. فرهنگ جغرافیایی قم و اراک، ص ۱۶۱.

۷. مختصر البلدان، ص ۲۶۵.

۸. تاریخ قم، ص ۹۱.

۹. همان، ص ۸۹.

۱۰. مختصر البلدان، ص ۲۴۷.

۱۱. آثار ایران، ج ۱، ص ۱۹.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۱۹-۴۴-۱۱۶.

۱۳. تاریخ قم، ص ۳۷.

۱۴. همان، ص ۸۹.

مسجد جامع جدید توسط «ابوالصدیم»، در سال ۱۹۶ قمری بنا شد، مسجد دیگری به نام «سعد آبادی» در بازار قم بوده است که در آن نماز جمعه می‌خوانده‌اند،<sup>۱۵</sup> محل اقامت و عبادت حضرت معصومه علیه السلام در قم نیز از آثار معروف بوده است، حسن بن محمد بن حسن قمی می‌نویسد:

«آثار محراب عبادت حضرت معصومه علیهم السلام، هنوز در قم باقی است.»<sup>۱۶</sup>

این محراب بعدها به «ستیه» معروف شد.<sup>۱۷</sup>

به نوشته ی یعقوبی، قم مجموعه‌ای از دو شهر بزرگ «منیجان» و شهر کوچک «کمیدان» است،<sup>۱۸</sup> از نظر او شهر قم یا کم در دوره‌ی ساسانی همان شهر قدیمی منیجان بوده است.<sup>۱۹</sup>

حسن بن محمد بن حسن قمی نیز با تصریح به این مطلب، از منیجان به عنوان خود شهر قم یاد کرده است،<sup>۲۰</sup> به گفته ی یعقوبی، وجود هزار گذر و کوچه و ده‌ها میدان و چندین پل در منیجان که در دوره ی اسلامی مرکز شهر قم و محل سکونت بزرگان و اشراف عجم بوده، حاکی از عظمت شهر قم است، و همو به یکی از دژهای عجم در منیجان اشاره کرده است.<sup>۲۱</sup>

### اهمیت جغرافیایی قم در ناحیه‌ی جبال

واقع شدن قم بر سر جاده‌ی خراسان، که مسیری تجاری و راه کاروان‌های حج بوده باعث رونق تجارت در قم بود، «ابو دلف» در سفر به ماوراء النهر، از این مسیر از قم به ساوه رفت،<sup>۲۲</sup> همسایگی قم با ری که در آن دوران همه‌ی راه‌های تجاری دنیا به آنجا ختم می‌شد، باعث رواج بازرگانی در قم بود.<sup>۲۳</sup>

شهر قم در کویری وسیع، همواره بزرگترین نقش را در دایرنه‌ی داشتن خط مواصلاتی بین جنوب و شمال ایران به عهده داشته است، پرورش اسب‌ها در قم بدین منظور بوده است.<sup>۲۴</sup> یعقوبی می‌نویسد: «راه‌ها به ری و اصفهان و کرج و همدان از قم جدا می‌شد»<sup>۲۵</sup>

دیر «گچین» که توسط انوشیروان در قم ساخته شده بود،<sup>۲۶</sup> نقش مهمی در حرکت کاروان‌ها داشت، بدون وجود این کاروان‌سرا عبور از بین قم امکان پذیر نبود.<sup>۲۷</sup>

### شهر شدن قم و مهاجرت اعراب

گزارش منابع عربی از روند شهر شدن قم که مقارن با کوچ مداوم دسته‌های عرب به آن دیار بود، حکایت از این واقعیت دارد که سرانجام این امر منجر به غلبه‌ی عنصر عرب بر عجم و اسکان آنها در این نقطه از ایران شد، اوج این غلبه که همچنان با ورود عرب همراه بود، نقطه‌ی عطفی در ارتقای شهر قم در سازمان سیاسی و تقسیمات منطقه‌ای دستگاه خلافت عباسی به حساب آمد.

۱۵. همان، ص ۳۷ و ۳۸.

۱۶. همان، ص ۲۱۴.

۱۷. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰.

۱۸. البلدان، ص ۴۹.

۱۹. مجمع الفرس، ج ۳، ص ۱۱۰.

۲۰. تاریخ قم، ص ۴۲ و ۶۰.

۲۱. البلدان، ص ۴۹.

۲۲. سفر نامه ابو دلف، ص ۳۱.

۲۳. مختصر البلدان، ص ۲۷۰.

۲۴. تاریخ قم، ص ۳۰.

۲۵. البلدان، ص ۴۹.

۲۶. ممالک و مسالک، ص ۱۸۶.

۲۷. سفر نامه ابو دلف، ص ۷۱.

اولین گروه های عرب ، به فرماندهی ابوموسی اشعری ، در سال ۲۳ قمری، با جنگ و زور قم را فتح کردند،<sup>۲۸</sup> اعراب بنی اسد نیز ، از اولین دسته های عرب بودند که در جمکران قم سکونت گزیدند.<sup>۲۹</sup> هجوم گسترده ای اعراب اشعری به قم ، همراه با اقداماتی بود که آنها برای کسب سلطه ی کامل بر همه ی منابع مالی و اقتصادی بر مردم بومی قم انجام دادند؛ از جمله ی این کارها قتل عام سران مجوس بود، با توجه به این مطالب می توان ورود اعراب اشعری در سال ۵۸ قمری به قم را فتح دوم این شهر به حساب آورد،<sup>۳۰</sup> اعراب اشعری در طی یک قرن ، اقدامات زیادی در جهت تحول قم از یک پادگان شهر عربی به صورت یک شهر عربی انجام دادند.

حمزه بن السیع اشعری ، به سال ۱۸۹ قمری نظر موافق هارون، در مورد کوره قرار دادن قم به دست آورد،<sup>۳۱</sup> در حقیقت اعراب اشعری ، به عنوان اقطاع داران دولت عباسی به قم آمدند ، حمزه بن السیع اشعری ، در قم منبر نهاد ، پسر او یسع بن حمزه، استقلال جغرافیایی آن جا را محقق ساخت و قم به بیشترین حد توسعه ی ارضی خود رسید، این شهر، از نمونه های بارز توسعه ی شهری در قرن سوم هجری قمری است، در این قرن ، قم به صورت یک شهر آباد و معتبر شیعی در آمد.

### توسعه ی قم در روایات ائمه علیهم السلام

از توسعه ی قم در روایات رسیده از ائمه علیهم السلام نیز خبر داده شده است ، حسن بن محمد بن حسن قمی می - نویسد : در روایات شیعه آمده است که قم در عمارت ، کثرت مردم ، قیمت زمین آن ، به نوعی برسد که آن مقدار که اسبی را بر آن ببندند ، به هزار درهم باشد ، در این روایات ، تعبیری چون «زهراء» ، «کوفه کوچک» ، «تکیه گاه قائم آل محمد علیهم السلام» ، «محل انتظار کشیدن آل محمد علیهم السلام» ، «محل امنیت و راحت مومنان» ، «معدن آل محمد علیهم السلام» ، «بحر» ، «قطعه ای از بیت المقدس» ، «آشیانه آل محمد علیهم السلام» ، «مأوای فاطمین» ، به شهر قم اطلاق شده است.<sup>۳۲</sup> شاخص ترین آنها نام «زهراء» است که حضرت علی علیه السلام در مورد قم پیشگویی کرد و قم را شهری که محل خروج بهترین مردم از حیث نسبی است ، معرفی کرد.<sup>۳۳</sup>

سفر حضرت معصومه علیها السلام و مهاجرت های آل ابی طالب به قم ، در آغاز قرن سوم هجری قمری ، مفاد این روایات را تأیید می کند و آن را از انتقاداتی که بر مجموع روایات مربوط به فضائل شهرها وارد شده است ، مستثنی می سازد و نیز مطالبی که در منابع معتبر جغرافیایی در مورد آبادانی قم آمده است ، به نوعی مفاد روایات مزبور را تأیید می کند .

### قداست سرزمین مبارک قم و اهل آن در روایات ائمه علیهم السلام

روایات بسیاری پیرامون قداست و شرافت سرزمین مبارک قم نقل شده که هر کدام به نحوی آن را ستوده اند ، جهت اختصار فقط به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«در شب معراج در آسمان چهارم به قبه ای که در لؤلؤ بود ، نگاه کردم. چهار رکن و چهار در داشت ، گویا از استبرق سبز بود ، گفتم : ای جبرئیل این قبه چیست که در آسمان چهارم بهتر از آن ندیده ام ؟ گف این قبه صورت شهری است که آن را «قم» گویند ، بندگان خدا در آن اجتماع می کنند، امیدوار به شفاعت رسول خدا در روز حشر و حساب هستند.»<sup>۳۴</sup>  
حضرت علی علیه السلام فرمود :

۲۸. فتوح البلدان ، ص ۳۱۰.

۲۹. تاریخ قم ، ص ۳۸.

۳۰. معجم البلدان ، ج ۴ ، ص ۳۷۹.

۳۱. تاریخ قم، ص ۲۶ و ۲۷.

۳۲. بحار الانوار ، ج ۶۰ ، ص ۲۱۱-۲۱۶.

۳۳. البلدان ، ص ۵۳۱.

۳۴. اختصاص شیخ مفید ، ص ۱۰۱.

«سلام و رحمت خدا بر اهل قم، خداوند بر مزارع آنها باران رحمت بفرستد، برکات خود را بر آنها نازل کند، گناهان آنان تبدیل به حسنات شود، آنان اهل رکوع و سجود و خشوع و نماز و روزه هستند، آنها علماء و فقهاء بوده و دانا هستند، آنها اهل دین و ولایت و عبادت می‌باشند، رحمت و درود خداوند بر آنها باد»<sup>۳۵</sup>  
امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند قم را برای سایر شهرها حجت قرار داد و اهل قم برای اهل تمام مردم از شرق و غرب، حجت می‌آورد، قم و اهل آن، در دین خود ضعیف نیستند، بلکه خداوند به آنها توفیق داده و آنها را تأیید کرده است»<sup>۳۶</sup>

روزی جمعی از مردم ری در مدینه به محضر امام صادق علیه السلام رفتند و عرض کردند: «ما از اهالی ری هستیم»، امام صادق علیه السلام فرمود: «آفرین به برادران ما از اهالی قم»، آنها گفتند ما اهالی ری هستیم، امام باز همان سخن خود را تکرار کرد، و این مطلب چند بار تکرار شد، آنگاه امام فرمود: «این الله حرما و هو مکه، و این للرسول حرما و هو المدینه، و این لأئمة المومنین حرما و هو الکوفه، و این لنا حرما و هو بلدة قم...»<sup>۳۷</sup>

«خداوند حرمی دارد و آن مکه است و پیامبر اکرم (ص) حرمی دارد و آن مدینه است و امیرالمومنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است و ما امامان حرمی داریم و آن شهر قم است».  
در روایتی دیگر از قاضی نورالله شوشتری نقل شده که امام صادق علیه السلام پس ذکر حرم بودن قم برای امامان علیهم السلام فرمود:

«الا و این قم، الکوفه الصغیره، الا این للجنه ثمانیه ابواب، ثلاثه منها الی قم، تقبضنیها امرأه من ولدی اسمها فاطمه بنت موسی و تدخل بشفاعتها شیعی الجنه باجمعهم»<sup>۳۸</sup>  
از این حدیث چند مطلب فهمیده می‌شود:

- ۱- قم همانند کوفه مرکز نشر علوم خاندان نبوت است..
- ۲- سه در از بهشت به قم باز می‌گردد، به احتمال قوی، این سه در بهشت بر اثر سه پدیده مهم و بزرگ است که از امتیازات شهر قم می‌باشد. ممکن است این سه پدیده را بتوان موارد زیر معرفی کرد:  
الف. بارگاه حضرت فاطمه علیها السلام در قم و آثار درخشان آن که موجب سوق دادن مردم به سوی بهشت می‌شود؛  
ب. حوزه علمیه قم دیرپای قم که موجب هدایت انسانها شده و آنها را به سوی بهشت رهسپار خواهد کرد؛  
ج. وجود مسجد مقدس جمکران و مرکزیت قم بعد از مکه و کوفه به عنوان پایگاه بزرگ امام زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه.

۳- مقام شفاعت حضرت معصومه علیها السلام بسیار وسیع است.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر فرمود:

«شهر قم شهر ما و شهر شیعیان ماست، این شهر مقدس و پاک می‌باشد، مردم این شهر ولایت و دوستی ما را پذیرفتند، تا وقتی که خیانت نکنند هر کسی که قصد سوپی به آن داشته باشد، به زودی به کیفر خود می‌رسد، و چنانچه خیانت کنند، خداوند زمامداران ستمگر را بر ایشان مسلط می‌نماید، اما آنها یاور قائم ما و خواهان حق ما هستند»  
آنگاه حضرت سر به آسمان بلند کرد و غرض کرد: «اللهم اعصمهم من کل فتنه...»<sup>۳۹</sup>  
«خداوند آنها را از هر فتنه‌ای حفظ کن».

۳۵. مجالس المومنین، ج ۱، ص ۳۵.

۳۶. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۳۷. همان، ص ۲۱۶.

۳۸. همان، ص ۲۸۸.

۳۹. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۱۱۲.

امام رضا علیه السلام راجع به شهر قم فرمود: «وقتی که فتنه و بلا عمومی شد و همه جا را گرفت، به قم و اطراف قم بروید، زیرا از قم بلاها برداشته شده است.»<sup>۴۰</sup>.

### پیدایش شهر جدید قم

شهر قم، چنانچه ذکر شد، از دیر باز موقعیت یک شهر بزرگ را در دوره‌ی ساسانی کسب کرده است، اما با ویرانی‌های متعدد که در اثر مهاجرت اعراب به وجود آمد، یک مرکز تجمع جمعیتی با بافت «روستا-شهر» در این منطقه شکل گرفت.<sup>۴۱</sup> گزارش‌های موجود راجع به تعداد قابل توجهی از آبادی‌ها در این ناحیه، حاکی از این مطلب است، که مهاجرت اعراب و سپس دسته‌ای خاص از آنها، یعنی طالبیان که فرهنگ تشیع را با خود به همراه آوردند، توسعه‌ی جدید شهر قم را با تحول بزرگ فرهنگی در این منطقه از جبال، همراه ساخت.<sup>۴۲</sup>

شهر قم در شکل جدید قم خود، با همان عناصر معماری ایرانی و در چهار چوب فرهنگ و هنر ایرانی شکل گرفت، مساجد متعددی ساخته شد و رعایت قبله در ساخت خانه‌ها و سایر اماکن و نام گذاری مراکز و معابر و میادین شهر به نامهای اسلامی، باعث شد که شهر قم در نیمه‌ی اول قرن سوم قمری، چهره‌ی اسلامی به خود گرفت، کتاب تاریخ قم از ۵ پل و ۷ میدان نام می‌برد که به نام بزرگان عرب اشعری بود،<sup>۴۳</sup> با وجود این، آثار عجم در قم هنوز چشمگیر بود، به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم:

۱. ساختمان «دیر گچین» که در اکثر منابع اسلامی از آن نام برده است؛<sup>۴۴</sup>
  ۲. ایوان و درگاه بزرگی که بزرگترین بنای عجم بعد از ایوان مدائن بوده است،<sup>۴۵</sup>
  ۳. آثار قلعه‌ی یزدان افشان،<sup>۴۶</sup> قلعه‌ی جمکران،<sup>۴۷</sup> زندان‌ها،<sup>۴۸</sup> مساجد،<sup>۴۹</sup> محل اماکن دولتی<sup>۵۰</sup> و محل استقرار والیان که در سراهای به جا مانده از بزرگان عجم بر پا شده بود.<sup>۵۱</sup>
- افزون بر موارد بالا تاریخ قم از دروازه‌ها و راه‌های متعدد قم نام برده است، معروف‌ترین آنها راهی بود که از دروازه‌ی خراسان به قم می‌رسید<sup>۵۲</sup> و قم را در مسیر جاده‌ی خراسان قرار می‌داد، خانه‌های آجری قم، به ویژه سرداب‌های قم، دارای شهرت تاریخی است،<sup>۵۳</sup> و کاربرد تزیینات و نقاشی و تزیینات زیبای آجری در سراهای آنها رایج است، طبقات اشراف آل سعد، سراهای بسیار زیبایی احداث کرده بودند، و بر اساس نقل‌های تاریخی پل‌های مستحکم در قم بنا می‌شد.<sup>۵۴</sup>

### اوضاع سیاسی قم

از نیمه‌ی دوم قرن دوم قمری ائمه علیهم السلام نمایندگان و وکلای خود را در قم سامان دادند. منابع تاریخی از ارتباطات مالی و فرهنگی مردم قم با ائمه علیهم السلام خبر داده‌اند و آنها را اولین کسانی معرفی کرده‌اند که خمس و هدایای بسیاری

۴۰. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

۴۱. تاریخ سنی ملوک الارض، ص ۳۵.

۴۲. تاریخ قم، ص ۵۳.

۴۳. همان، ص ۲۷.

۴۴. سفر نامه ابودلف، ص ۷۱.

۴۵. تاریخ قم، ص ۸۱.

۴۶. همان، ص ۷۳.

۴۷. همان، ص ۶۰.

۴۸. همان، ص ۴۰.

۴۹. همان، ص ۲۵۰.

۵۰. همان، ص ۳۸.

۵۱. همان، ص ۴۰.

۵۲. همان، ص ۲۶.

۵۳. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۷.

۵۴. تاریخ قم، ص ۲۷-۳۶.

برای ایشان فرستاده‌اند،<sup>۵۵</sup> از جمله افرادی که در این راستا مورد عنایت امام صادق علیه السلام بود، عمران بن عبدالله قمی بود،<sup>۵۶</sup> همچنین منابع رجالی از تعداد زیادی از اصحاب و یاران امام رضا علیه السلام نام برده‌اند که برخی از آنها به طور مستقیم مورد حمایت و توثیق امام علیه السلام قرار می‌گرفتند، از شاخص‌ترین این چهره‌ها از زکریا بن آدم<sup>۵۷</sup> و یونس بن عبدالرحمن<sup>۵۸</sup> به عنوان وکیل خاص امام رضا علیه السلام نام برده شده است، همچنین از برخی از افراد نام برده‌اند که اموری را در رابطه با امام علیه السلام (مانند امور مالی) انجام می‌داده‌اند. کتاب *اختصاص* از درگیری دو نفر از وکلای امام رضا علیه السلام در مسئله‌ی مالی یاد کرده که اختلاف آنها را زکریا بن آدم حل کرده است.<sup>۵۹</sup>

دولت عباسی از ارتباطات مستحکمی که بین بزرگان قم و صادقین علیهما السلام و امام کاظم علیه السلام برقرار بود، آگاهی داشت.

تجمع طالبیان در قم و فعالیت‌های آنها در آنجا، دولت عباسی را به شدت نگران می‌ساخت و آنها را مجبور می‌نمود، برای جلوگیری از ادامه‌ی تحرکات طالبیان در قم دست به اقدامات بزنند.

توجه فراوان هارون الرشید به قم، با توجه به جایگاه ممتاز این شهر در جغرافیای سیاسی منطقه بود، و این موقعیت مهم ایجاب می‌کرد که دولت عباسی سیاست فعالی را درباره‌ی آن اتخاذ کند، از این رو بود که هارون الرشید برای انجام اصلاحات و مقابله با شورش‌ها و توطئه‌هایی که در ایران جریان داشت، به سال ۱۸۹ قمری عازم ری شد، او در جمادی الاول آن سال در آن جا فرود آمد و به مدت چهارماه در آن شهر توقف کرد.<sup>۶۰</sup>

#### آثار جنگ اُمین و مأمون در ناحیه قم

چند لشکر کشی و جنگ بزرگ در اطراف قم، این منطقه را به صورت یک ناحیه‌ی بسته‌ی نظامی در آورده بود، در این جنگها، سپاه اول اُمین مدتی در ساوه مستقر شد<sup>۶۱</sup> و همه‌ی رفت و آمدها را تحت کنترل خود در آورد، حکومت مرو نیز دستور حفاظت شدید از مرزهای جبال را صادر کرد و هرگونه عبور و مرور را تنها با مجوز و همراه با تفتیش کامل و بازرسی مجاز شمرد.<sup>۶۲</sup>

در روایتی از امام صادق علیه السلام تصویری از آن چه در این روزگار در اطراف قم در حال روی دادن بود، ارائه شده است. در این روایت، سخن از مقابله شمشیرهای خراسان یا بغداد در نزدیکی ری است.<sup>۶۳</sup>

سپاه خراسان در حدود ری، در ده «کاواص»، در پنج فرسخی آنجا، مستقر شده بود،<sup>۶۴</sup> مأمون به سال ۲۰۳ قمری، در اجرای سیاست جدید خود، طوس را ترک کرد و در ذی الحجه ۲۰۴ قمری وارد ری شد،<sup>۶۵</sup> او چند روز در ری به سر برد، مردم ری سپاه او را در جنگ با اُمین حمایت کرده بودند و او دو میلیون درهم از خراج آنها کاسته بود.<sup>۶۶</sup> او در این سفر با شورش و بی-توجهی مردم قم رو به رو شد و درخواست مردم قم، مبنی بر کاستن مقدار خراج آن شهر را رد کرد، لذا او طاهر را در سرکوب شورش‌ها، صاحب اختیار کرد که از جمله مأموریت‌های طاهر، تعقیب طالبیان بود، سیاستی که فرزندان او نیز آن را ادامه

۵۵. الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۸۸.

۵۶. اختصاص، ص ۶۸ و ۶۹.

۵۷. رجال نجاشی، ص ۱۷۴.

۵۸. منتهی المقال، جزء ۷، ص ۹۱.

۵۹. اختصاص، ص ۷۸.

۶۰. الكامل فی تاریخ، ج ۴، ص ۷۶.

۶۱. الفتوح، ج ۸، ص ۲۹۷.

۶۲. همان، ص ۲۹۶.

۶۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲.

۶۴. الكامل فی تاریخ، ج ۵، ص ۳۷۳.

۶۵. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۴۶ و ۱۵۰.

۶۶. همان، ص ۱۴۷.



دادند،<sup>۶۷</sup> او مناطق جبال، فارس، اهواز، بصره، کوفه و یمن را با جنگ مطیع مأمون ساخت،<sup>۶۸</sup> مأمون سرانجام سپاه بزرگی را به فرماندهی علی بن هشام، برای سرکوب مردم به قم فرستاد و «عجیف بن عنبسه» را برای پشتیبانی او اعزام کرد.

### قیام مردم قم و خلع مأمون

اعزام سه لشکر بزرگ، به علت وقوع قیامی بزرگ در قم بر ضد خلافت عباسی بود، قتل امام رضا علیه السلام و قتل عام کاروان حضرت معصومه علیها السلام به دست نیروهای مأمون در حد فاصل قم و ساوه و بی‌اعتنایی مأمون به درخواست‌های مردم قم در مسئله‌ی خراج، از انگیزه‌های این قیام بود و باعث شد مردم قم، مأمون را از خلافت خلع کنند.

یحیی بن عمران، ریاست قم را به طور خودسر به دست گرفت و علیه دولت عباسی شورید، این قیام، با لشکرکشی بزرگ مأمون، به شدت سرکوب شد، یحیی بن عمران با خیانت برادران عرب خود مواجه شد و نیروهای مخالف دولت عباسی، اطراف او را خالی کردند، و در اثر تبلیغات مسموم موالی بنی عباس در قم، مردم از حضور در کنار او منصرف شدند.<sup>۶۹</sup> او در برابر سپاه بزرگ عباسی تنها ماند و هیچ کس با او همراهی نکرد، یحیی و علی بن خزرج و گروهی که در انتقال حضرت معصومه علیها السلام به قم دخالت داشتند، به دست علی بن هشام کشته شدند.

آثار مخرب بحران خراج و بحران قدرت، و فساد ناشی از تنش‌های آن، وضع فلاکت باری را در این منطقه به وجود آورد و زندگی عادی مردم مختل شد، مسعودی به شیوع وبا و قحطی در سال ۲۰۴ قمری در شهرهای مشرق و خراسان و جاهای دیگر اشاره دارد.<sup>۷۰</sup> ابن جوزی می‌نویسد: مردم اصفهان و خراسان و ری دچار قحطی شدند و مرگ همه جا را فرا گرفت.<sup>۷۱</sup> دولت عباسی سیاست قدرتمندانه‌ای را برای مهار قم اتخاذ کرد، با وجود این، مقاومت قم در برابر خلافت عباسی همچنان ادامه داشت، شهادت امام رضا علیه‌السلام توسط مأمون، خشم مردم قم را برانگیخت.

دعبل خزاعی که در میان دوست داران اهل بیت در قم قصیده‌ای در رثای امام رضا علیه‌السلام سروده بود،<sup>۷۲</sup> در حدود سال ۲۲۰ قمری نیز از قم ابیاتی را برای هشتمین خلیفه‌ی عباسی، معتصم، جانشین مأمون، فرستاد و او را هجو کرد و سگ نامید.<sup>۷۳</sup>

متوکل عباسی امام علی بن محمد علیهما‌السلام را به دلیل اموالی که برای او از قم می‌رسید، از مدینه به سامرا فراخواند،<sup>۷۴</sup> تا زمان مکتفی عباسی مردم قم از پذیرش قضات خودداری می‌کردند،<sup>۷۵</sup> و قضاوت در قم به تراضی مردم بود، ولات و قضات بیگانه پیوسته در برخورد و تنش با مردم قم بودند، قاضی اصطخری به دلیل قضاوت مخالف با رأی مردم قم، شبانه از آنجا فرار کرد،<sup>۷۶</sup> شکایت دائم مردم قم از ستم والیان، تأثیری جزء تعویض آنها نداشت، با وجود همه اقدامات نظامی و سیاسی دولت بغداد، هیچ‌گاه قدرت سیاسی در قم، به نفع دولت عباسی، در یک‌جا متمرکز نشد، بلکه این قدرت بین والی و عامل خراج و اعراب استقلال طلب و بزرگان مجوس و بزرگان علوی و نقیب طالبیان تقسیم می‌شد.

### اوضاع اجتماعی قم

قم را همواره شهری پر جمعیت دانسته‌اند، چنانچه اشاره شد، قم شهری در حال تبدیل از بافت «روستا-شهر» به یک شهر بزرگ بود، لذا تخمین آمار ساکنین قصبه قم و اطراف آن، دشوار است، مردمی از عرب و عجم در آنجا زندگی می‌کردند،

۶۷. مقاتل الطالبین، ج ۲، ص ۵۲۲.

۶۸. همان، ج ۴، ص ۱۴۵.

۶۹. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۱۹.

۷۰. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۲.

۷۱. المنتظم، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۷۲. دیوان دعبل، ص ۱۴۹.

۷۳. همان، ص ۷۸.

۷۴. مناقب، ج ۴، ص ۴۴۴.

۷۵. تاریخ قم، ص ۱۴.

۷۶. طبقات الشافعیه الکبری، ج ۱، ص ۳۲۵.

غلبه‌ی جمعیتی با عرب بود و امور شهر به دست آنها اداره می‌شد،<sup>۷۷</sup> این ندیم، در معرفی کتاب طبقات ابن سعد می‌نویسد: ابن سعد از طبقات مردم قم یاد کرده است<sup>۷۸</sup> که گفته‌ی او حکایت از وجود دسته‌جات مختلفی از مردم و بافت ناهمگون این شهر دارد، دعبل در شعر خود ترکیب جمعیتی قم را به نسبت مساوی از عرب و عجم دانسته است.

« مابین علج قد تعرب فائتمی  
او بین آخر معرب مستعلج»<sup>۷۹</sup>

بین کافری که نسب عربی پیدا کرده و عربی که شیوه‌ی کافری پیشه کرده است دعبل از گرفتاری خود بین کافر، یعنی مجوس که نسبت عربی پیدا کرده است و بین عربی که نسبت مجوسی پیدا کرده، سخن گفته است، از مفهوم شعر او چنین استنباط می‌شود که نسل جدیدی از آمیزش عرب و عجم وجود داشته است، جاحظ نیز از این نسل جدید با عنوان «بنوی» یاد کرده است، برخی از اسامی مردم قم می‌تواند گواهی بر این اختلاط نژادی باشد، در این راستا نجاشی از «حسن خرزاد قمی»، که صاحب کتابی در فقه است، یاد کرده است،<sup>۸۰</sup> جاحظ به ترکیب جمعیت ناحیه‌ی خراسان و ناحیه‌ی جبال اشاره نموده است،<sup>۸۱</sup> او تحت عنوان افراد «جندالخلافة» از خراسانی، ترکی، عربی، مولی و «بنوی» نام برده است، همچنین در فهرست تاریخ قم به وجود افرادی از یهود و ترسایان اشاره شده است،<sup>۸۲</sup> این افراد همراه با مجوس در فهرست اهل ذمه‌ی قم بوده‌اند.<sup>۸۳</sup>

با توجه به مطالب مذکور، اعراب عمدترین طبقات مردم قم بودند، گروهی کثیری از مجوس و اقشار عمده‌های از موالی و وابستگان عرب و موالی و وابستگان ائمه‌ی شیعه علیهم السلام و نسل جدیدی که پدر یا مادر آنها ایرانی بودند نیز در کنار آنها زندگی می‌کردند، معرفی مختصر این اقشار به قرار زیر است:

#### ۱- مجوس

مجوس مردم بومی قم بودند که گروهی از آنها اسلام آوردند و گروهی به دین سابق خود باقی ماندند و به حاکم قم جزیه پرداخت می‌کردند.

یعقوبی می‌نویسد: «گروهی از عجم‌های کهن در قم زندگی می‌کنند».<sup>۸۴</sup> منابع متعدد از «قریه‌المجوس» نام بردند و اصطخری از آن با نام «دیه‌گبران» یاد کرده است.<sup>۸۵</sup> ادریسی، می‌نویسد: «در این قریه قومی از مجوس زندگی می‌کنند، این قریه به فاصله یک مرحله از قم قرار داشت».<sup>۸۶</sup>

#### ۲- اعراب

عرب بنی اسد، آل عبدالعزیز بن دلف، آل عجل و اعراب اشعری، مهمترین دست‌جات عرب ساکن قم بودند. یعقوبی می‌نویسد: «عرب آل مذجع و اشعری در قم سکونت دارند»<sup>۸۷</sup>

اصطخری ساکنان شهر قم را عرب اشعری می‌داند.<sup>۸۸</sup> بزرگ‌ترین دسته‌ی عرب، یعنی عرب اشعری، نقش مهمی در اداره‌ی امور قم به عهده داشتند و مدت طولانی، مسئولیت‌های مهمی چون ریاست قم و مسئولیت خراج را در اختیار گرفتند، گروهی از

۷۷. ممالک و مسالک، ص ۱۶۶.

۷۸. الفهرست، ص ۱۶۶.

۷۹. دیوان دعبل، ص ۵۶.

۸۰. رجال نجاشی، ص ۴۴.

۸۱. رسائل جاحظ، جزء ۳، ص ۱۶۷.

۸۲. تاریخ قم، ص ۱۸.

۸۳. همان، ص ۱۰۸.

۸۴. البلدان، ص ۴۹.

۸۵. مسالک و ممالک، ص ۲۴۲.

۸۶. نزهة المشتاق، ج ۲، ص ۶۸۴.

۸۷. البلدان، ص ۴۹.

۸۸. ممالک و مسالک، ص ۲۰۹.

آنها به عنوان علماء و فقهای بزرگ، وکلای بین مردم قم و ائمه علیهم السلام بودند. نجاشی از احمد بن اسحاق بن عبدالله (ابو علی قمی)، به عنوان «وافدالقمیین» نام می‌برد.<sup>۸۹</sup> دوازده نفر از فرزندان سعد بن عبدالله بن مالک بن عامر اشعری، از راویان احادیث امام جعفر صادق علیه السلام بودند،<sup>۹۰</sup> گروهی از آنها در رواج تشیع در قم نقش اساسی داشتند، برخی از آنها نقش واسطه‌ی بین خلافت عباسی و مردم را داشتند و زمینه‌ی استقرار نهایی عرب در قم را فراهم ساختند و برای مطیع ساختن مردم قم در برابر خلافت عباسی و تأمین اهداف این دولت تلاش می‌کردند، همچنین تعدادی از فرزندان ائمه علیهم السلام نیز که به قم مهاجرت کردند، از چهره‌های شاخص اعراب در قم بودند.

### ۳- موالی

موالی بنی عباس در نقاط مختلف منطقه‌ی جبال سکونت داشتند. یعقوبی می‌نویسد: در قم گروهی از موالی به سر می‌بردند که خود را موالی عبدالله بن عباس می‌دانند.<sup>۹۱</sup>

#### بحران ناشی از خروج طالبیان و مهاجرت آنها به شهر قم

یک دهه بعد از اقدامات شکست خورده‌ی دولت عباسی در قم، موج جدیدی از مهاجرت طالبیان به قم آغاز شد، طالبیان در پی شکست قیام‌های متعدد علویان در کوفه، مدینه و مکه از این بلاد طرد شدند.<sup>۹۲</sup> ابن مسکویه، سال ۲۰۰ قمری را سال طرد علویان از عراق دانسته است،<sup>۹۳</sup> منابع متعددی بر دسیسه‌ی کارگزاران ایرانی در چالش‌های آغاز قرن سوم و نقل و انتقالات طالبیان اشاره دارند.<sup>۹۴</sup> هجوم گروه‌های جدیدی از علویان به قم، که همزمان با سفر حضرت معصومه علیها السلام به قم صورت گرفت، میزان مقاومت و مخالفت مردم قم با دولت عباسی را تشدید نمود و در مدت کوتاهی قم دژ امن همه‌ی مخالفان دولت عباسی شد، گویا دسته‌هایی از مردم قم در قیام‌های علویان شرکت می‌کردند، چنانکه سپاهی از قم در قیام ابوالسرایا، در سال ۱۹۹ قمری، شرکت نمود.<sup>۹۵</sup>

#### **ورود فرزندان ائمه علیهم السلام به قم**

در پی شکست قیام‌های متعدد علویان، جمع بزرگی از فرزندان ائمه علیهم السلام از شهرهای بغداد، مدینه، کوفه، همدان، اصفهان و . . . طبق توصیه‌های ائمه علیهم السلام به قم مهاجرت کردند، کتاب‌های انساب و بعضی از تواریخ، گزارش‌های مبسوطی از ورود طالبیان به قم دارند و گروه‌های مختلف سادات مانند: سادات موسوی،<sup>۹۶</sup> سادات حمزه‌ای،<sup>۹۷</sup> سادات حسینی،<sup>۹۸</sup> سادات عمری،<sup>۹۹</sup> سادات شجری،<sup>۱۰۰</sup> و . . . را ذکر کرده‌اند.<sup>۱۰۱</sup> فهرست نام برخی از ایشان را که تا قبل از سفر حضرت معصومه علیها السلام، در قم سکنی گزیده بودند، به طور نمونه ذکر می‌کنیم: فرزندان محمد بن حنیفه، فرزندان عمر بن الافطس،<sup>۱۰۲</sup>

۸۹. ر. جال نجاشی، ص ۹۱.

۹۰. دایره المعارف التشیع، ج ۳، ص ۸۲.

۹۱. البلدان، ص ۴۹.

۹۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۹ و ۴۴۰.

۹۳. تجارب الامم، ج ۴، ص ۱۲۰.

۹۴. الکامل فی التاریخ ج ۵، ص ۳۷۰.

۹۵. تاریخ قم، ص ۲۰۵ و ۲۰۸.

۹۶. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۲۱.

۹۷. همان، ص ۲۲۶.

۹۸. همان، ص ۲۱۱.

۹۹. همان، ص ۲۳۸.

۱۰۰. همان، ص ۲۳۲.

۱۰۱. تاریخ قم، ص ۲۲۴.

۱۰۲. المجدی، ص ۲۴۹.

فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب، اعقاب فاطوسه،<sup>۱۰۳</sup> فرزندان عبدالله بن باهر علی بن حسین علیه السلام،<sup>۱۰۴</sup> فرزندان حسین اصغر،<sup>۱۰۵</sup> فرزندان امام سجاد علیه السلام، فرزندان قاسم بن علی بن عمر بن علی الحسین بن علی بن ابی طالب که هارون او را از حجاز فرا خواند و به زندان افکند.<sup>۱۰۶</sup>

### ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم

به نوشته برخی محققان، حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام، به سال ۲۱۰ قمری از مدینه بیرون آمد و مسیر کاروان در ساوه به علت بیماری حضرت معصومه علیها السلام به طرف قم تغییر کرد و با استقبال موسی بن خزرج، وارد قم شد،<sup>۱۰۷</sup> هفده روز بعد حضرت معصومه علیها السلام در قم وفات یافت، در بررسی گزارش‌های متفاوتی که در مورد سرنوشت کاروان حضرت معصومه علیها السلام ذکر شده است، باید گفت که ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم، با تغییر سیاست مأمون نسبت به طالبیان همراه بود، بدین معنا که مأمون بعد از شهادت امام رضا علیه السلام، به سال ۲۰۲ قمری طی نامه‌ای به بنی عباس و موالی آنها در بغداد پایان سیاست گرایش به علویان را اعلام کرد،<sup>۱۰۸</sup> و سیاست سابق دولت عباسی در قتل عام شیعیان و سرکوب طالبیان را رویه‌ی ثابت خود قرار داد.<sup>۱۰۹</sup> از این رو می‌توان احتمال داد که آگاهی از تغییر سیاست دولت عباسی مانع از حضور سایر اعراب اشعری در استقبال از حضرت معصومه علیها السلام بوده است.

برخورد نظامی با کاروان حضرت معصومه علیها السلام، در این شرایط امری طبیعی بود؛ چون کارگزاران دولت عباسی در منطقه‌ی جبال مأموریت داشتند، هرگونه حرکت علویان را کنترل کنند، با توجه به مطالب مذکور و نیز وجود قراین مسلم خارجی می‌توان دریافت که نظر منابعی که به نحوی شهادت حضرت معصومه علیها السلام را گزارش کرده‌اند، این است که به هر صورت، این هجرت شکل طبیعی نداشته است، زیرا کاروان حضرت معصومه علیها السلام مسیری را انتخاب کرده که امام رضا علیه السلام از آن مسیر ممنوع شده بود، حرکت کاروان حضرت معصومه علیها السلام از این مسیر و ورود آن حضرت به قم که مرکز تجمع مخالفان دولت عباسی بود، به منزله‌ی فرار این کاروان از مدینه به قم بوده است، با این وصف، می‌توان گزارش حسن بن محمد بن حسن قمی، مبنی بر وفات حضرت معصومه علیها السلام در اثر بیماری را حمل بر موضع محافظه کارانه‌ی غالب اشعریان نمود.

### جمع بندی

۱. وجوه مختلفی در نام گذاری قم، بیان شده و در این راستا محققان به برخی روایات نیز استناد کرده‌اند.
۲. تاریخ قم دست کم تا دوره ساسانی قابل ردیابی است و منابع تاریخی از پادشاهی به نام قباد نام برده‌اند که اصلاحات مذهبی و عمرانی فراوانی را در قم انجام داده است.
۳. با ظهور اسلام، آتشکده‌های موجود در قم، جای خود را به مساجد داده و نخستین مسجد در قریه جمکران ساخته شد.
۴. قرار گرفتن قم در جاده خراسان، و نزول کاروان‌های زیارتی حج و نیز کاروان‌های بازرگانی در آن، موجب رونق تجاری قم شده بود.
۵. روند شهر شدن هم‌مقارن با ظهور اسلام و نیز مهاجرت دسته‌های عرب به آن بوده است.
۶. شهر قم در روایات رسیده از ائمه اطهار علیهم السلام، جایگاهی رفیع به خود اختصاص داده است که چنین مطلبی در راستای مهاجرت حضرت معصومه سلام الله علیها نیز بوده است.

۱۰۳. تهذیب الانساب، ص ۴۳۵.

۱۰۴. همان، ص ۱۸۴.

۱۰۵. همان، ص ۲۴۱.

۱۰۶. المجدی، ص ۱۵۰.

۱۰۷. تاریخ قم، ص ۲۱۳.

۱۰۸. رجال نجاشی، ص ۹۱.

۱۰۹. احتجاج، ج ۲، ۳۹۲.

۷. تجمع طالبان در قم، و وجود وکلای ائمه اطهار علیه السلام در این شهر، موجب اهمیت شهر قم به لحاظ سیاسی نیز شده بود که بحران معروف خراج از جمله تبعات آن بوده است.
۸. بافت جمعیتی قم، متنوع بوده و شامل مجوسیان، اعراب و موالی بود.
۹. مهاجرت حضرت معصومه سلام الله علیها سرفصل تازه ای در تاریخ قم و موجب ورود فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام شد.

#### فهرست منابع

- ۱- آندره، گدار، آثار ایران، ترجمه ابولحسن سروقدم قم، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش .
- ۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق .
- ۳- ابن اعثم، الفتوح، بیروت، دارالندون، بی تا .
- ۴- ابن جوزی، المنتظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق .
- ۵- ابن فقیه همدانی، مختصر البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۳۰۲ ش.
- ۶- ابن خلدون، تاریخ، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه. ق .
- ۷- ابن خلکان، وفيات الاعیان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ه. ق .
- ۸- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ ه. ق .
- ۹- ابن رسته، الاعلاق الانفسیه، بیروت، دارصادر، ۱۸۹۲ م .
- ۱۰- ابن علی، دعبل، دیوان دعبل، دارالکتب اللبنانی، ۱۹۷۲ م .
- ۱۱- ابن علی، شیخ محمد مازندرانی، منتهی المقال من اقوال الرجال، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق .
- ۱۲- ابن مسکویه، تجارب الامم، تهران، سروش، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۳- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ ش .
- ۱۴- ابن ندیم، فهرست، تهران، نشر ابن سینا، ۱۳۴۳ ش .
- ۱۵- ابو دلف، سفرنامه ابو دلف، ترجمه طباطبایی، تهران، زوار، ۱۳۴۱ ش .
- ۱۶- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ممالک و مسالک، ترجمه محمدبن اسعد نب عبدالله تستری، تهران، بنیاد، موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳ ش .
- ۱۷- نامعلوم، مسالک و ممالک، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۸ ش .
- ۱۸- اصفهانی، ابی الفرج، مقاتل الطالبین، قم، امیر، ۱۴۱۶ ق .
- ۱۹- اصفهانی، حمزه بن حسن، سنی ملوک الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۰- امین، حسن، دائره المعارف لتشیع، دارالتعاریف المطبوعات، ۱۴۱۸ ق .
- ۲۱- سازمان جغرافیایی وزارت دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی قم و اراک، تهران، ۱۳۷۴ ش .
- ۲۲- طبرسی، احتجاج، تهران، نشرمرتضی، ۱۴۰۳ ق .
- ۲۳- العبیدلی، تهذیب الانساب، قم، بی تا، ۱۴۱۳ ق .
- ۲۴- العمری، نجمالدین العلوی، المجدی، قم، کتابخانهی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق .
- ۲۵- فقیهی، علی اصغر، قم را بشناسید، قم، انتشارات ادارهی فرهنگی شهرستان قم، ۱۳۲۸ ق.
- ۲۶- قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، طوس، ۱۳۶۱ ش .
- ۲۷- قمی، عباس، الکنی واللقاب، المطیعه الحیدریه، النجف، ۱۳۸۹ ش.
- ۲۸- کاتوزیاری، علی بن حسن، انوارالمشعشعین، تهران، نشرالشیخ احمد شیرازی، ۱۳۲۷ ش .
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق .
- ۳۰- نجاشی، رجال نجاشی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق .